

فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۳، شماره ۳، بهار ۹۸، صفحات ۲۲۸-۱۹۷

بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به مصرف مواد مخدر بر مبنای رویکرد کج رفتاری (مورد مطالعه: جوانان شهر اهواز)

محمدعلی مومبینی^۱، دکتر علی حسین حسین زاده^۲ و آریتا مومبینی^۳

تاریخ وصول: ۹۷/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۲۵

چکیده:

تحقیق حاضر در تلاش است با استفاده از رویکرد جامعه‌شناختی کج رفتاری عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به مصرف مواد مخدر در بین جوانان کلان‌شهر اهواز را مورد بررسی قرار دهد. روش تحقیق حاضر پیمایشی است. از این‌رو، ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه، جامعه‌ی آماری، جوانان شهر اهواز، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، تعداد افراد نمونه ۳۸۴ نفر، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نرم‌افزار SPSS ۲۳ و محدوددهی زمانی و مکانی تحقیق شهر اهواز در سال ۱۳۹۵ می‌باشد. یافته‌های تجربی تحقیق بیانگر آن است که میان متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، تأهل، سطح تحصیلات، درآمد) با گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد. بین متغیرهای احساس آنومی، احساس محرومیت نسبی، احساس انزوای اجتماعی، گرایش به همسالان، باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی با متغیر گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی مثبت و معناداری حاکم است و بین متغیر دینداری و گرایش به مصرف مواد مخدر نیز رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره با روش گام به گام نشان می‌دهد حدود (۰/۵۶۹) از واریانس مربوط به متغیر گرایش به مصرف مواد مخدر با متغیرهای احساس آنومی، دینداری، احساس انزوای اجتماعی و باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی قابل تبیین است.

مفاهیم کلیدی: گرایش به مصرف مواد مخدر، عوامل اجتماعی - فرهنگی، رویکرد کج رفتاری

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده‌ی مسئول) mmombeini@yahoo.com

^۲ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران alihos81@yahoo.com

^۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور مشهد، مشهد، ایران mombeini12345@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

بدون تردید توسعه و پیشرفت جوامع بشری مرهون نیروی انسانی سالم، متعهد، متخصص و جوان است؛ اما یکی از عوامل که در امحای نیروی انسانی، به‌ویژه جمعیت جوان و فعال جوامع سهم بسزایی دارد، پدیده‌ی بزهکاری است که امروزه گریبان‌گیر بسیاری از ملل، به‌ویژه کشور ایران می‌باشد (Sadeghi Fard, 2008). از جمله مصدق بزهکاری و رفتارهای نابهنجار، گرایش افراد به پدیده‌ی اعتیاد است. جهان در حال حاضر در کنار بحران تهدید بمب اتمی، بحران نابودی محیط‌زیست، بحران فقر جامعه، شاهد بحران اعتیاد است. موضوع مواد مخدر، همراه با عامل انفجار جمعیت و آلودگی محیط‌زیست، سه موضوعی است که کشورها، دیگر هر یک به تنهایی نمی‌توانند از پس آن برآیند (Estefan, 2009). بر این اساس، به اعتقاد تحلیل‌گران اجتماعی، اعتیاد به مواد مخدر، به‌عنوان یکی از مسائل پیچیده‌ی اجتماعی در عصر حاضر، زمینه‌ساز بروز بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی می‌باشد (Doagooyan & Habibzade Maleki, 2011). سوء مصرف مواد مخدر و داروهای غیر مجاز در چند دهه‌ی گذشته بسیار فراگیر شده است. این امر حاکی از بروز یک مشکل جدی در سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی می‌باشد. مصرف مواد و عوارض پدیده و ناخوشایند آن جای تأمل بسیار دارد، ضرورت این تأمل با در نظر گرفتن جمعیت جوان کشور بیش از پیش مطرح می‌شود، به‌ویژه که در سال‌های اخیر مصرف مواد مخدر دیگر نه فقط در بزرگ‌سالان، بلکه در دانشجویان و دانش‌آموزان نیز رو به افزایش است (The Professional Drug Studies, 2014).

الگوی غالب در بررسی مواد مخدر آشکارا تحت تأثیر علم پزشکی است و نظریه‌های غیر پزشکی نیز ماهیتی ارائه می‌دهند که می‌توان آن‌ها را نظریه‌های (پزشکی - انسانی) نامید. علم پزشکی که اولین حوزه‌ی علمی شناسایی کننده‌ی پدیده‌ی اعتیاد بود چنان بر نظریه‌های حوزه‌های دیگر تأثیر گذاشته که باعث شده است زاویه‌ی دید تقریباً تمام آن‌ها تداعی‌کننده‌ی نگاهی بیماری‌شناسی با پسوندهای متعدد روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و ... باشد. اشکال جدید وارد بر این نگاه آن است که پدیده‌ی مورد بررسی خود را تنها می‌تواند به‌عنوان پدیده‌ای مابعد واقع، مورد مطالعه قرار داد (Jansoon, 1989). از سوی دیگر، در بیشتر نظریه‌های اعتیاد و تحقیقات انجام گرفته در این حوزه، بر عوامل درون فرد (مثل عوامل وراثتی، فیزیولوژیکی و روانی) تأکید می‌شود و تاکنون بر عواملی نظیر ساختار سازمانی، باورهای فرهنگی، هویت قومی، نژادی، تأثیر رسانه‌ها، تأثیر بازدارنده‌ی قوانین یا نظایر آن تأکید زیادی نشده است (Mohseni Tabrizi, 2006:68). تحقیق حاضر در

تلاش است با استفاده از رویکرد جامعه‌شناختی کج‌رفتاری، عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به مصرف مواد مخدر در بین جوانان کلان‌شهر اهواز را مورد بررسی قرار دهد. وابستگی به مواد مخدر در تمامی حرفه‌ها، سطوح تحصیلی و طبقات اجتماعی - اقتصادی دیده می‌شود و صرفاً به فرد یا گروه خاصی مربوط نمی‌شود (Mostafaii et al, 2014). در حال حاضر، مهم‌ترین تهدیدی که کشور ایران را با مخاطرات جدید روبه‌رو ساخته، تغییر تدریجی الگوی مصرف مواد مخدر از ملایم (Soft) به سنگین (Hard)، از تدریجی به تزریقی و مهم‌تر از همه از طبیعی به شیمیایی و مصنوعی است (Allahverdi & Poor, 2007).

بر این اساس، با توجه به اهمیت شناخت معضل اعتیاد و در بسط مفهوم گرایش به مصرف مواد مخدر باید بیان کرد که در روان‌شناسی اجتماعی گرایش به دو نوع تقسیم می‌شود: گرایش‌های شناختی و گرایش‌های غیر شناختی و عاطفی. اولی با متغیرهای فکری نظیر هوش، تفکر واگرا و درک کلامی و دومی با متغیرهای شخصیتی از قبیل نگرش‌ها، ترجیح‌ها، علائق و نیازها سروکار دارد؛ هر چند این دو عامل با یکدیگر بی‌ارتباط نیستند. می‌توان بیان نمود: گرایش، حالت درونی است که در آن احتمال وقوع رفتارهایی بالاست، یا به‌آسانی آموخته می‌شود. از این رو، باورها و نگرش‌های افراد درباره‌ی مواد مخدر و پیامدهای منفی و مثبت آن در اصطلاح، گرایش به مصرف مواد مخدر تعریف شده است (Salimi & et all, 2015).

هر چند که در قانون مبارزه با مواد مخدر، چند مورد اعدام و انواع مجازات سخت دیگر مقرر شده است و همچنین سیاست‌های بازپروری نیز اعمال می‌شود، ولی همچنان تعداد معتادان به ویژه در زمینه‌ی مواد مخدر صنعتی و سنتی افزایش پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد صرف اعمال مجازات کیفری و اقدامات تأمینی کافی نیست بلکه بایستی بسترهای اجتماعی اصلاح شوند و علل این امر در درون جامعه جستجو شود و نه صرفاً در خود فرد. این مسأله قبل از اینکه یک معضل فردی باشد، یک معضل اجتماعی است و تا زمانی که ریشه‌های این معضل در درون جامعه خشکانده نشود، مجازات و اقدامات بازپروری کارساز نخواهد بود (Ahadi & Mohamadi, 2016).

بنابراین، از آنجا که دامنه‌ی علل گرایش به اعتیاد و دامنه و گستردگی عوارض ناشی از آن بسیار وسیع و فراگیر می‌باشد، پیشگیری، شناسایی و از بین بردن علل گرایش به اعتیاد ضروری است؛ زیرا پیامدهای ناشی از اعتیاد بسیار خانمان‌سوز و بنیان‌شکن هستند و درمان پس از اعتیاد نسبت به پیشگیری کاری به صرفه نخواهد بود. البته این بدان معنا

نیست که افراد معتاد درمان نگردند، بلکه بدان معناست که پیش از ایجاد اعتیاد در فرد، زمینه‌های گرایش به آن شناسایی شوند و با استفاده از مطالعات کارشناسانه در ابعاد و تخصص‌های گوناگون، در از بین بردن زمینه‌ها تلاش گردد. علی‌رغم پیگیری و پیکارهای مداوم با بحران اعتیاد و مصرف مواد مخدر در ایران، کماکان شاهد رشد بی حد و مرز این آسیب پیچیده اجتماعی هستیم. مسأله‌ی اعتیاد برای همه‌ی اقشار و گروه‌های جمعیتی یک معضل و آسیب خانمان‌سوز و تهدیدی جدی برای زندگی سالم آن‌ها محسوب می‌شود؛ اما این مسأله برای جوانان سمت و سوی بی‌رحمانه‌تری دارد؛ چرا که اعتیاد و مصرف بی‌رویه‌ی مواد مخدر، تمام جنبه‌های زندگی این گروه آسیب‌پذیر را تحت تأثیر مستقیم خود قرار می‌دهد و به نوعی زندگی آرام و عادی آن‌ها را با تنش‌ها و خسارات جبران‌ناپذیری مواجه می‌کند؛ لذا شناسایی علل و عوامل ایجاد کننده، تسهیل‌کننده و سوق‌دهنده این گروه به اعتیاد، بنا بر فروض اثبات شده‌ای چون رجحان پیشگیری بر درمان، در نوع خود اقدامی ارزشمند است.

تخمین‌های مبتنی بر گزارش سازمان ملل نشان می‌دهد که ۱/۵ تا ۲ درصد (حدود ۱/۳ میلیون نفر) از جمعیت ایران مشکل جدی با سوء مصرف مواد مخدر دارند. در مورد مصرف مواد مخدر و گرایش به مواد مخدر در استان خوزستان باید بیان شود که در بین شهرهای کشور، شهر اهواز به دلایل متعدد از جمله وجود مراکز صنعتی، مهاجرپذیر بودن، حاشیه‌نشینی بسیار گسترده و ناهمگونی فرهنگی در بین اقوام مختلف در زمینه‌ی ارتکاب جرائم شهری از آمار نسبتاً بالایی برخوردار است (*Fath Tabar Firoozjahi & et all, 2015*).

در این میان، بر اساس آخرین مطالعه‌ای که در خوزستان انجام شده است سن شروع اعتیاد ۱۰ سال می‌باشد و بیشترین آمار اعتیاد در استان در بازه‌ی سنی ۱۵ تا ۳۵ سال است (*News Station Shooshan, 2016*). در این خصوص، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی اهواز بیان می‌کند: از ۴/۷ میلیون نفر جمعیت خوزستان، بیشترین جمعیت در معرض خطر اعتیاد مربوط به رده‌ی سنی ۱۴ تا ۲۸ سال هستند (*Web Site Hamshahri Ostanha, 2016*)؛ که جمعیت قابل توجهی از این شهر را به خود اختصاص داده‌اند. این جمعیت جوان بیش از هر گروه جمعیتی دیگر از مضرات سوء مصرف مواد مخدر تأثیر پذیرفته و اثرات سوء این تأثیرپذیری بر پیکره‌ی زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ی شهری و روستایی این کلان‌شهر به مراتب بیشتر از گروه‌های دیگر است؛ بنابراین تحقیق حاضر در تلاش است تا با استفاده از رویکرد جامعه‌شناختی

کج رفتاری به بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به مصرف مواد مخدر در بین جوانان کلان شهر اهواز بپردازد.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

عبدلی سلطان و امانی (۱۳۹۵)، تحقیقی تحت عنوان: عوامل مؤثر بر سوء مصرف مواد مخدر جوانان در ایران: تحلیل نقشه‌های شناختی فازی مبتنی بر نظرات متخصصان انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد از نظر متخصصان به ترتیب متغیرهای اعتیاد اعضای خانواده با درجه‌ی بیرونی ۱/۵۴، بیکاری با درجه‌ی بیرونی ۱/۳۲ و همسالان منحرف با درجه‌ی بیرونی ۰/۸۸ بیشترین تاثیر را بر اعتیاد دارند. همچنین، از نظر این متخصصان اعتیاد توان فرد برای مقابله با مشکلات زندگی را کاهش می‌دهد، ناتوانی در حل مشکلات نیز باعث افزایش احساس انزوا در فرد می‌شود و این امر نیز باعث تشدید اعتیاد فرد می‌گردد (Abdoli Soltan Ahmadi & Amanii, 2016).

پازانی و همکاران (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان: آمادگی به اعتیاد نوجوانان: عوامل روانی - اجتماعی و هموابستگی انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عوامل روان‌ناختی مثل هیجان‌خواهی و عوامل اجتماعی مثل پذیرش اجتماعی با مصرف مواد رابطه‌ی معنادار دارد. هموابستگی و اعتیاد با یکدیگر مرتبط هستند، به ویژه آنکه هموابستگی ابتدا در ارتباط با والدین الکی معرفی شد. از این رو، خانواده در ایجاد هموابستگی نقش مهم و مؤثری دارد (Pazani & et all, 2016).

شالچی و همکاران (۱۳۹۴)، تحقیقی تحت عنوان: نقش عملکرد خانواده، شکاف بین نسلی و موقعیت اجتماعی - اقتصادی در تبیین اعتیادپذیری جوانان انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد ابعاد کارکرد خانواده و شکاف بین نسلی قادر به تبیین اعتیادپذیری جوانان می‌باشند و توجه به این امر می‌تواند پیشنهادهایی برای پیشگیری و مداخله در حوزه‌ی اعتیاد داشته باشد (Shalchi & et all, 2015).

ندیمی (۱۳۹۴)، تحقیقی تحت عنوان: نقش مذهب و نهادهای مذهبی در پیشگیری از سوء مصرف مواد انجام داد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مذهب و نهادهای مذهبی می‌توانند مصرف مواد و بهبودی از آن را از طریق برقراری یک نظم اخلاقی تحت تأثیر قرار دهند. نهادهای مذهبی، راهنما یا قواعد خاص اخلاقی به منظور کنترل خویشتن مانند امتناع از مصرف الکل و دیگر مواد را در اختیار فرد قرار می‌دهد و به تسهیل تجربه‌ی

معنوی کمک می‌کنند. تجربه‌ی معنوی می‌تواند تعهدات اخلاقی را تحکیم بخشد که این نیز به نوبه‌ی خود مانع از مصرف الکل و دیگر مواد شود (Nadimi, 2015).

ب) تحقیقات خارجی

Arevalo & et. all پژوهشی با عنوان: معنویات، احساس وابستگی و واکنش‌های کنار آمدن در زنانی که درمان‌های مرتبط با اعتیاد به مواد و الکل دریافت می‌کنند انجام دادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد درمان‌های پیشرفته‌ی سوء مصرف مواد که باعث افزایش معنویت، احساس تعلق و واکنش‌های تحمل‌کننده باشد، می‌تواند به زنان معتاد کمک کند بهتر فشارهای ناشی از درمان و پس از آن را تحمل کنند (Arevalo & et all, 2008).

Boyle در مطالعه‌ای با عنوان: تأثیرات خانوادگی در مصرف مواد توسط نوجوانان و جوانان بالغ به بررسی وجود اعتیاد در خانواده و تأثیر آن بر روی آوردن افراد به اعتیاد می‌پردازد. او اعتقاد دارد که برادر بزرگتر معتاد اثر بیشتری در سوق دادن نوجوانان و جوانان به اعتیاد دارد (Boyle, 2001).

Islam, S. K, Nazrul and et al در پژوهشی با عنوان: سبک‌های جنسی زندگی و پایگاه اجتماعی معتادان در بنگلادش به این نتیجه رسید که معتادان جوان با تحصیلات متوسطه، درآمدهای پایین و متوسطی داشته و همچنین شدت اعتیاد مردان متأهل بیشتر از مردان مجرد است. او در ادامه بر تأثیر معاشرت با دوستان معتاد در گرایش افراد به مواد مخدر می‌پردازد (Islam, Nazrul, 2000).

Orford تحقیقی با عنوان: علل اعتیاد در میان دانشجویان در آمریکا انجام داد. این نتایج نشان می‌دهد که اکثر دانشجویانی که معتاد بودند دچار سرخوردگی‌های ساختاری و محیطی بودند. عدم رسیدگی به خواسته‌های عاطفی آنان توسط اجتماع از علل گرایش آنان به اعتیاد است (Orford, 1994).

ارزیابی پیشینه مطالعاتی پژوهش

کمبودها و نقاط ضعف موجود در تحقیقات صورت گرفته راهنمای تحقیق حاضر بود و بررسی نقاط ضعف، کاستی‌ها و کمبودهای ادبیات تجربی موضوع تحقیق، راهگشای دوری از مشکلات در فرایند پژوهش گردید. با بررسی دقیق و موشکافانه‌ی پیشینه‌ی مطالعاتی تحقیق چندین نقطه ضعف اساسی و کلیدی را می‌توان بیان نمود: نخست، سهم بالای رویکرد روانشناسی در تحقیقات مربوط به اعتیاد و گرایش به مواد مخدر؛ دوم، عدم

ارتباط و استفاده مناسب از دیدگاه‌ها و رویکردهای تحلیلی مسائل اجتماعی؛ سوم، عدم به‌کارگیری دقیق و علمی یک رویکرد تحلیلی و تئوریک در خصوص موضوع اعتیاد و گرایش به مصرف مواد مخدر؛ چهارم، عدم استخراج مناسب متغیرهای تأثیرگذار بر اعتیاد و گرایش به مصرف مواد مخدر از رویکرد تحلیلی و دیدگاه تئوریک مورد استفاده؛ پنجم، عدم توانایی پیوند سطوح خرد و کلان نظام اجتماعی جهت تبیین مناسب پدیده‌ی اعتیاد و گرایش به مصرف مواد مخدر.

مبانی نظری پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد جامعه‌شناختی کجرفتاری صورت می‌پذیرد. رویکرد کجرفتاری به تحلیل تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده‌ی جرم و انحراف می‌پردازد. نظریه‌های موجود در رویکرد کجرفتاری را می‌توان به دو دسته نظریه‌های کلان و نظریه‌های خرد تقسیم نمود. نظریه‌ی آنومی *Dorkheim* و آنومی *Merton* در سطح کلان و نظریه‌های *Cohen, Miller, Richard Celward and Lioyd Ohllen*، *Sutherland and Matza* در سطح خرد قرار می‌گیرند. در ادامه به دلیل جلوگیری از اطاله‌ی کلام به شرح مختصر نظریه‌های موجود در رویکرد کجرفتاری اجتماعی پرداخته می‌شود.

نظریه‌ی آنومی *Doekheim* یکی از مهم‌ترین تبیین‌های جامعه‌شناختی از انحرافات و کژرفتاری، نظریه‌ی آنومی *Dorkeim (2010)* است (*Mohseni Tabrizi, 2004*; *Momtaz, 2001*). بی‌هنجاری را می‌توان وضعیتی دانست که در جامعه، هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند و او بی‌ریشه عمل می‌کند. این حالت هنگامی رخ می‌دهد که انتظارات فرهنگی یا واقعیات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار است (*Kohen, 1994*; 221). به نظر *Dorkheim*، آنومی یعنی یک نوع نابهنجاری اجتماعی، وضعیتی که در آن هنجارهای گروهی از بین برود یا این هنجارها با یکدیگر در تناقض قرار گیرند و فرد در میان تناقض‌ها بلا تکلیف بماند و در نتیجه به یک نوع نابهنجاری و فقدان قانون برسد (*Dorkeim, 2001*:73). از این‌رو، هرگاه شیرازه‌ی تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخته گردند، نفوذ نظارت‌کننده‌ی جامعه بر گرایش‌های فردی، دیگر کار آیی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار خواهند شد. دورکیم این وضعیت را بی‌هنجاری یا آنومی می‌خواند (*Kowzer, 2000*:192).

نظریه‌ی آنومی *Merton*: یکی از پرآوازه‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناسی کژرفتاری و

انواع صور ناپهنجاری اجتماعی است. به نظر *Merton (1938)* همه‌ی رفتارها اعم از راست‌رفتاری یا کژ رفتاری، معلول و محصول ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. به عقیده‌ی وی، انحراف و کژرفتاری ناشی از گسستگی و انفصال بنیادی بین هدف‌های فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت نیل بدان‌ها است. مرتن برای نشان دادن وضعیت ارتباطی بین اهداف و وسایل، تیپولوژی حالات گوناگون انطباق و رابطه‌ی فرد با هدف‌های فرهنگی و وسایل نهادی شده را در پنج وضعیت مطرح نموده است: همنوایی، نوآوری - بدعت، سنت‌گرایی - عادت‌گرایی، انزواطلبی - عقب‌نشینی، شورش - طغیان (*Mohseni Tabrizi, 2004: 64-65*). به نظر مرتن نباید تصور کرد همیشه فرد در موقعیت ثابتی در هر یک از این اشکال قرار می‌گیرد. در هر جامعه‌ای انطباق از نوع اول، یعنی همنوایی با اهداف فرهنگی و شیوه‌های دستیابی به آن معمول‌ترین نوع انطباق است. برعکس، انطباق از نوع چهارم، یعنی کناره‌گیری (رد کردن اهداف و شیوه‌های دستیابی به آن) از جمله رفتارهای کمتر معمول است. مرتون توضیح می‌دهد که احساس ناکامی به خاطر در اختیار نداشتن شیوه‌های قانونی دستیابی به هدف می‌تواند به اشکال ۲، ۳ یا ۵ نیز منجر گردد (یعنی نوآوری، شعائرگرایی و انقلابی) (*Momtaz, 2002: 69-71*).

نظریه‌ی خرده‌فرهنگ کج‌روی ناکامی منزلتی: فرض اصلی کوهن بر این است که فرد منحرف، بزهکار و کج‌رو آرمان‌ها و اهداف مقبول اجتماعی-فرهنگی جامعه را پذیرفته‌اند ولی به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده‌ی اجتماعی دچار محرومیت شده است. لذا آرمان‌ها و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگری برای به دست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌سازند و در نتیجه، پاره فرهنگ بزهکار به وجود می‌آید. بدین وسیله افراد تلاش می‌کنند تا بر مشکلات خود فائق آیند (*Kohen, 1955: 26*). کوهن در توصیف ویژگی‌های فعالیت و رفتار پاره‌گروه‌ها معتقد است رفتار این گروه‌ها غیر انتفاعی، کینه‌جویانه و نفی‌گرا بوده و این اعمال از ثبات برخوردار نیستند. ویژگی خاص این اعمال لذت‌جویی آنی و موقتی است (*Mohseni Tabrizi, 2004: 84*).

نظریه‌ی خرده‌فرهنگ کج‌روی - فرهنگ طبقه‌ی پایین: این نظریه، در انتقاد به نظریه‌ی کوهن که بزهکاری را معلول خرده‌فرهنگ بزهکاری می‌دانست که در اثر واکنش افراد در برابر ناکامی ناشی از عدم حصول هدف‌های کلی جامعه پدید می‌آید، به وجود آمده است. به‌زعم *Miller (1958)* کژرفتاری نوعی واکنش افراطی است که با مناسبات فرهنگی، فرهنگ فرعی طبقه‌ی پایین جامعه ارتباط دارد و در طی سالیان متمادی پیدایی

و استمرار یافته است. میلر استدلال می‌کند که در اثر پیروی از رفتارهای فرهنگی که دربردارنده‌ی عناصر اصلی الگوی کلی فرهنگ طبقه‌ی پایین است خود به خود در برخی هنجارهای قانونی انحراف به وجود می‌آید. در عمل، این انحراف به صورت و اشکال متفاوتی ظاهر می‌شود و هدف آن‌ها کسب وجهه و شهرت است زیرا خرده‌فرهنگ بزهکار مخالف با فرهنگ غالب که فرهنگ طبقه‌ی متوسط است، عمل می‌کند. وی دو عامل را در گرایش نوجوانان طبقه‌ی پایین به بزهکار مؤثر می‌داند: الف) تمایل به تعلق در گروه همسالان؛ ب) موقعیت جوانانی که از طریق هنجارهای گروهی همسالان به مقام و شهرت دست می‌یابند. به نظر وی، این عوامل در چارچوب عناصر اصلی الگوی کلی فرهنگ طبقه‌ی پایین قابل درک می‌باشد (Miller, 1958: 14-19).

نظریه‌ی فرصت‌های نابرابر یا فرصت افتراقی: (Celeward & Ohllen (1960) در مورد گرایش جوانان به بزهکاری به ساختار فرصت مشروع و نامشروع تأکید دارند که نظریه‌ی آنها تحت عنوان فرصت افتراقی^۱ مشهور است. به نظر آنان، رابطه‌ی میان ارزش‌های فرهنگی از یک سو و فرصت‌های مشروع و نامشروع از سوی دیگر، تعیین‌کننده‌ی انواع و فراوانی بزهکاری است. آن‌ها بر این باورند که بزهکاری از نظر اجتماعی به صورت خرده‌فرهنگ بزهکار نمایان می‌شود و به همان گونه که در خرده‌فرهنگ بهنجار فرصت‌های مشروع وجود دارد، در خرده‌فرهنگ بزهکار هم فرصت‌های نامشروع برای نیل به هدف‌های فرهنگی وجود دارد (Ashraf, 1975: 188). Merton تصور می‌کرد هنگامی که فرصت‌های قانونی در اختیار افراد قرار نگیرد، آن‌ها به سادگی به فرصت‌های غیر قانونی دسترسی دارند؛ اما Celeward & Ohllen معتقدند که فرصت ارتکاب جرم، به شکل یکسان در اختیار همه قرار ندارد. بنابراین، زمانی که افرادی تحت فشار قرار می‌گیرند که برای دستیابی به پول مرتکب دزدی یا سرقت مسلحانه شوند، هیچ اطمینانی وجود ندارد که حتماً در این کار موفق شوند. این‌ها می‌توانند این کار را با موفقیت انجام دهند، بستگی به فرصت‌هایی دارد که در همسایگی یا منطقه‌ی شهری در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد (Momtaz, 2002: 96-99).

نظریه‌ی هم‌نشینی افتراقی و یادگیری: (Sutherland (1966) تحت تأثیر نظریات Shaw & Mackay درباره‌ی چگونگی انتقال فرهنگی، نظریه‌ی خود را ارائه کرده است. نظریه‌ی وی بر این فرض استوار است که رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. وی معتقد است فرد بزهکار در

¹ differential opportunity

طول حیات خود از طریق پیوستگی، ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های انحرافی را فرا می‌گیرد. مردم به نسبت هم‌نشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارند کچرو می‌شوند و عوامل چندی این تأثیر را تعیین می‌کنند (Mohseni Tabrizi, 2004: 101).

نظریه‌ی تلفیقی بزهکاری: Matza (1969) تلاش می‌کند تا به معنا و مفهومی که بزهکار برای کنش خویش دارد، دست یابد و رابطه میان باورها و کنش فرد را بیابد. زیرا باورها انگیزه و محرک کنش هستند و بدون فهم باورها تبیین بزهکاری فاصله‌ی بسیاری با واقعیت بزهکاری دارد (Amadi, 2005:78). Sykes and Matza نظریه‌های خرده‌فرهنگی را زیر سؤال می‌برند و بر این اعتقادند که نظام ارزش‌های افراد کچرو برخلاف افراد عادی جامعه نیست. Sykes and Matza معتقد به تغییرپذیر بودن ارزش‌ها و هنجارها در ذهن کچرو هستند و از مفهوم فن‌های خنثی کردن استفاده می‌کنند. یعنی افراد کچرو اخلاق متداول در جامعه را رد نمی‌کنند، بلکه کچروها هنجارهای جامعه را خنثی و ضعیف می‌کنند و به توجیه موقعیت خود می‌پردازند و ابراز بی‌گناهی می‌کنند (Momtaz, 2002: 162-164). Sykes and Matza (1957) معتقدند که پنج نوع تکنیک خنثی کردن وجود دارد: انکار مسئولیت، انکار زیان، انکار وجود قربانی، سرزنش کنندگان، ادعای وفاداری به دیگران (Ahmadi, 2005: 79).

تحلیل نظری و تئوریک گرایش به مصرف مواد مخدر

در پژوهش حاضر برای تبیین عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به مصرف مواد مخدر اعتیاد از نظریه‌های آنومی Dorkeim، نظریه‌ی آنومی Merton، نظریه‌ی ناکامی منزلتی Kohen، نظریه‌ی پیوند افتراقی Suterlan و نظریه‌ی تلفیقی Matza استفاده شده است. داستان تحلیلی و تبیینی گرایش به مصرف مواد مخدر را می‌توان چنین بیان نمود که به واسطه‌ی سرعت تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی وضعیت بی‌هنجاری و آنومیک اجتماعی شدت خواهد گرفت به گونه‌ای که تأثیرگذاری الزام‌های اخلاقی، سنتی، مذهبی و دینی به‌عنوان معیارهای راهنمایی افراد کم‌رنگ می‌شود. از سوی دیگر، در نتیجه وضعیت نامناسب اجتماعی - اقتصادی گروهی از افراد که از توانایی رقابت اندکی برخوردارند یا دچار محدودیت‌های گوناگون اجتماعی هستند در فرایند رقابت با دیگر کنشگران اجتماعی برای کسب منابع، دچار محرومیت و احساس محرومیت خواهند شد که این امر مسیر آن‌ها را برای انزوای اجتماعی و کناره‌گیری از عرصه‌ی عمومی هموار می‌کند. در نتیجه این فرایند، کنشگران اجتماعی محروم و منزوی

هر چه بیشتر برای گرایش به سمت گروه‌های اجتماعی بزهکار (مصرف‌کننده‌ی مواد مخدر) آمادگی خواهند داشت. ارتباطات و تعاملات درون‌گروهی و عناصر فرهنگی حاکم بر خرده‌فرهنگ‌های بزهکار (مصرف‌کننده‌ی مواد مخدر) افراد عضو را در فرایند جامعه‌پذیری جدیدی قرار می‌دهد که آموزش، یادگیری و پذیرش فرهنگ مصرف مواد مخدر بخشی اساسی از آن می‌باشد. در ادامه فرایند استخراج متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر متغیر وابسته شرح داده خواهد شد.

متغیر احساس بی‌هنجاری به‌طور مستقیم از نظریه‌ی آنومی *Dorkeim* گرفته شده است. گرایش به مصرف مواد مخدر نتیجه‌ی احساس بی‌هنجاری حاصل وضعیت آنومیک در نظام اجتماعی می‌باشد. بی‌هنجاری از نظر دورکیم عبارت است از زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی، بر همین اساس، در نگاه او، بی‌هنجاری در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد. در تئوری مرتن بی‌هنجاری هنگامی رخ می‌دهد که فرد از جامعه کناره‌گیری می‌کند، یا در برابر جامعه طغیان می‌کند. به‌عبارت دیگر، مرتن بی‌هنجاری را برای نشان دادن فاصله و اختلاف بین اهداف مقبول و وسایل مشروع برای رسیدن به آن اهداف به‌کاربرده است.

متغیر دین‌داری نیز از نظریه‌ی آنومی *Dorkeim* گرفته شده است. گرایش به مصرف مواد مخدر نتیجه‌ی گسستگی تعلق فرد به جامعه است که در نتیجه‌ی کنترل و نظارت به وجود می‌آید. *Dorkeim* بر این باور بود که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد اعضای آن جامعه احتمالاً با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند، ولی اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد ممکن است مردم به سوی رفتاری مجرمانه کشیده شوند.

متغیر احساس محرومیت نسبی از نظریه‌ی ناکامی منزلتی *Kohen* قابل‌استخراج است. گرایش به مصرف مواد مخدر نتیجه‌ی احساس محرومیت ادراک شده‌ی کنشگران اجتماعی به واسطه‌ی محدودیت‌های اجتماعی جهت دستیابی به پایگاه منزلتی پذیرفته شده طبقه‌ی متوسط اجتماعی می‌باشد. اعتقاد *Kohen* افراد طبقه‌ی پایین، اهداف طبقه‌ی متوسط را می‌پذیرند؛ ولی توانایی رسیدن به این اهداف را از طریق وسایلی که از طرف جامعه مقبول هستند، ندارند. از آنجا که، این افراد بر مبنای ملاک سنجش طبقه‌ی متوسط قضاوت می‌شوند، دائماً از منزلتی که هنجارهای طبقه‌ی متوسط آن را مطلوب می‌داند، احساس محرومیت می‌نمایند. به نظر *Kohen*، برای فرد راه‌های متعددی برای مقابله با

مشکل سازگاری وجود دارد که یکی از این طرق همکاری نمودن در ایجاد و نگهداری پاره گروه بزهکار است؛ یعنی در واقع احساس محرومیت ناشی از مقایسه، عامل سوق دادن افراد به ارتکاب کجروی است.

متغیر احساس انزوای اجتماعی به‌طور مستقیم از نظریه‌ی آنومی *Merton* قابل استخراج است. گرایش به مصرف مواد مخدر نتیجه‌ی از خود بیگانگی حاصل از عدم سازگاری هدف‌های فرهنگی جامعه با وسایل مناسب برای رسیدن به آن هدف‌هاست. بر اساس تقسیم‌بندی *Merton*، تنها مقوله‌ی اول یعنی هم‌نوابی است که به خاطر پذیرش وسایل و اهداف مورد قبول جامعه، آنومی تلقی نمی‌شود و هر چهار مقوله‌ی بعدی به دلیل طرد اهداف و وسایل و یا یکی از این دو، آنومی تلقی می‌شود؛ اما آنچه برای تبیین علل مؤثر بر گرایش به مصرف مواد مخدر در این نظریه مهم است، مقوله‌ی عقب‌نشینی یا انزوا است.

متغیر گرایش به همسالان (افراد معتاد) از نظریه‌ی پیوند افتراقی قابل استخراج است. گرایش به مصرف مواد مخدر نتیجه‌ی یادگیری به واسطه‌ی ارتباطات و تعاملات میان فرد با گروه‌های همسال معتاد است. بر اساس این نظریه، اعتیاد از طریق کنش متقابل در گروه‌های کوچک (گروه همسالان یا همالان) آموخته می‌شود. *Suterland* که از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه است، معتقد است که رفتار مصرف مواد مخدر یاد گرفته می‌شود و یادگیری عمده از طریق کنش متقابل فرد در درون گروه‌های مشخص و صمیمی هم چون گروه همسالان رخ می‌دهد.

متغیر باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی از نظریه‌های خرده‌فرهنگ کجروی ناکامی منزلتی *Kohen* و نظریه‌ی تلفیقی بزهکاری *Matza* استخراج شده است. به عبارت دیگر، باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی نوجوانان و جوانان در خصوص مصرف مواد مخدر یکی مهم‌ترین عواملی گرایش به مصرف مواد مخدر می‌باشد. باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی از طریق گروه همسالان در فرایند جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان در ارتباط با خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری (گروه‌های مصرف‌کننده مواد مخدر) آموخته می‌شوند. همچنین بر اساس نظریه‌ی *Matza*، محتوای باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی در خصوص مصرف مواد مخدر نشان‌دهنده‌ی تکنیک و فنون (انکار زیان) مصرف مواد مخدر و به‌ویژه با تأکید بر جنبه‌های مثبت و مطلوب آن می‌باشد. به گونه‌ای که باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی در مورد مصرف مواد مخدر تسهیل‌کننده‌ی گرایش به استفاده و مصرف مواد مخدر است.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱) به نظر می‌رسد بین متغیرهای جمعیت شناختی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲) به نظر می‌رسد بین احساس آنومی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۳) به نظر می‌رسد بین دین‌داری و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۴) به نظر می‌رسد بین احساس محرومیت نسبی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۵) به نظر می‌رسد بین احساس انزوای اجتماعی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۶) به نظر می‌رسد بین گرایش به همسالان و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۷) به نظر می‌رسد بین باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به موضوع و اهداف تحقیق از روش تحقیق پیمایش استفاده نموده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق را کلیه‌ی جوانان ۱۸-۳۵ ساله کلان‌شهر اهواز تشکیل می‌دهند که مطابق آمارهای استخراج شده از سایت آمار کل کشور در سال ۱۳۹۵، تعداد ۴۲۴۸۲۰ نفر می‌باشند. برای نمونه‌گیری نیز از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای که یکی از انواع نمونه‌گیری‌های احتمالی است، استفاده شده است. فرمول کوکران^۱ حجم نمونه‌ی آماری را با توجه به خطای اندازه‌گیری ۰/۰۵ و سطح اطمینان (۰/۹۵) ۳۸۴ نفر تعیین نمود؛ همچنین برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از ابزار پرسشنامه استفاده گردیده که در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی بر اساس نرم‌افزار SPSS 23 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. لازم به ذکر است تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق در جدول ۱ و همچنین پایایی ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه) بر مبنای آلفای کرونباخ در جدول

¹ Cochran

۲ ارائه شده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر احساس آنومی: احساس آنومی به عنوان حالتی ذهنی از بی‌هنجاری تعریف می‌شود که احساس‌های بریدن از اجتماع، ناامیدی، جافتادگی، بیگانگی از نهادهای اجتماعی و احساس بی‌قدرتی را دربرمی‌گیرد (Serowl, 1956). برای سنجش و عملیاتی کردن متغیر احساس آنومی از گویه‌های استاندارد شده (Leo Serowl (1956) و خرده مقیاس از خود بیگانگی دین (۱۹۶۱) استفاده شده است.

متغیر دین‌داری: دین متضمن اعتقادات، جهت‌گیری و اعمالی است که بشر را به عوامل فوق طبیعی یا حقایق مقدس و متعالی مربوط می‌سازد (Inghellhart, 2010: 5). برای سنجش و عملیاتی کردن متغیر دین‌داری از مقیاس ابعاد چهارگانه‌ی دین‌داری (بعد مناسکی، اعتقادی، تجربی و پیامدی) گلاک و استارک استفاده شده است (Serajzade & Tavakoli, 2001).

متغیر احساس محرومیت نسبی: محرومیت نسبی به صورت احساس کنشگران بر وجود داشتن اختلاف میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود (Ger, 1967). نظریه پردازان محرومیت نسبی، مبنای کار خود را بر مفهوم مقایسه‌ی افراد با موقعیت افرادی دیگر در سایر گروه‌ها و دسته‌های انسانی داده‌اند (Duncan Mitchell, 1968). برای سنجش و عملیاتی کردن متغیر احساس محرومیت نسبی از مقیاس Calan (2008) & et all و مقیاس Persel & et all (2002) استفاده شده است.

متغیر احساس انزوای اجتماعی: احساس از دست دادن یک رابطه‌ی صمیمانه (تنهایی عاطفی) یا از دست دادن یک شبکه‌ی اجتماعی گسترده‌تر است و همچنین یکی از شاخص‌های اصلی بهزیستی اجتماعی است (Di Bang Girveld, 2006). برای سنجش و عملیاتی کردن متغیر احساس انزوای اجتماعی از مقیاس تنهایی Rasel & Pilaau (1980) استفاده شده است.

متغیر گرایش به همسالان: طی دوره‌ی کودکی، فرد به شدت متأثر از خانواده است؛ اما با افزایش سن، نقش افراد خارج از خانواده به خصوص همبازی‌ها و همکلاس‌ها افزایش می‌یابد و از اهمیت خانواده کاسته می‌شود. این شرایط با افزایش سن فرد سیر فزاینده می‌یابد و در دوره‌ی نوجوانی به اوج خود می‌رسد. در این وضعیت، معمولاً نوجوان از خانواده جدا شده و به سوی دوستان و گروه همسالان کشیده می‌شود (Colmes & et

all, 1994). برای سنجش و عملیاتی کردن متغیر گرایش به همسالان از شاخص‌هایی چون شبکه‌ی دوستی، تعداد دوستان و میزان گذران وقت با دوستان و ارزیابی از دوستان استفاده شده است (Hezarjaribi & Safari-Shalli, 2006: 75).

متغیر باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی: منظور از باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی، قواعد رفتار یا شیوه‌های خاص عمل است که اعضای خرده‌فرهنگ‌های قومی آن‌ها را پذیرفته‌اند و به وجود آورنده‌ی گونه‌هایی از تساهل اجتماعی و عدم سخت‌گیری اجتماعی هستند که می‌توانند سبب یا عامل استفاده از مواد مخدر باشند (Sedigh Sarvestani & Ghaderi, 2009). برای سنجش و عملیاتی کردن متغیر باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی از مقیاس استاندارد (Sedigh sarvestani & Ghaderi, 2009) استفاده شده است.

متغیر گرایش به مصرف مواد مخدر: باورها و نگرش‌های افراد درباره‌ی مواد مخدر و پیامدهای منفی و مثبت مصرف آن، در اصطلاح، گرایش به مصرف مواد مخدر تعریف شده است (Adarm & Nikmanesh, 2012: 101). برای سنجش و عملیاتی کردن متغیر گرایش به مصرف مواد مخدر از مقیاس (Zarghar (2006) و Mohamadi & et all (2013) استفاده شده است.

جدول ۱: آلفای کرونباخ سنجش پایایی متغیرهای تحقیق

Table 1: Cronbach's Alpha, Reliability of Research Variables

متغیر	سوالات	آلفای کرونباخ
Variable	Questions	Cronbach's Alpha
احساس انومی	10 سؤال	0/786
دین‌داری	7 سؤال	0/811
احساس محرومیت نسبی	4 سؤال	0/762
احساس انزوای اجتماعی	6 سؤال	0/759
گرایش به همسالان	6 سؤال	0/795
باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی	7 سؤال	0/736
گرایش به مصرف مواد مخدر	16 سؤال	0/761

تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

الف) آمار توصیفی

در این بخش از یافته‌های تحقیق، نتایج توصیفی متغیرهای زمینه‌ای، مستقل و وابسته مطرح می‌گردد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دامنه‌ی سنی پاسخگویان، بین ۲۰ تا ۳۵ هست. میانگین سن پاسخگویان حدود ۲۳ سال، انحراف معیار آن ۳/۹۶ و واریانس سن پاسخگویان ۱۵/۷۴ است. از کل پاسخگویان ۷۹ نفر معادل ۲۰/۶ درصد زن و ۳۰۵ نفر معادل ۷۹/۴ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. از کل پاسخگویان ۱۰۳ نفر معادل ۲۶/۸ درصد متأهل و ۲۸۱ نفر معادل ۷۳/۲ درصد مجرد هستند. کل پاسخگویان در ۴ رده‌ی تحصیلی دسته‌بندی شده‌اند که ۹۸ نفر معادل ۲۵/۵ درصد دیپلم، ۱۷۴ نفر معادل ۴۵/۳ درصد فوق دیپلم، ۱۰۹ نفر معادل ۲۸/۴ درصد کارشناسی و ۳ نفر معادل ۰/۸ درصد کارشناس ارشد و بالاتر هستند. میانگین درآمد افراد ۱/۷۸۳/۳۶۴ تومان است. پایین‌ترین میزان درآمد ۱۸۲/۰۰۰ تومان و بالاترین ۴/۰۰۰/۰۰۰ تومان می‌باشد. انحراف معیار ۱/۱۵۰/۹۰۱ تومان و واریانس ۱/۳۲۵ تومان می‌باشد. در جدول ۲ آماره‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته که شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره و حداکثر نمره برای هر متغیر می‌باشد، ارائه شده است.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته

Table 2: Descriptive Statistics of Independent and Dependent Variables

متغیر	شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر
Variable	Statistics Indicators	Mean	St.De	Variance	Minimum	Maxzimum
احساس انومی (متغیر مستقل)		2/31	0/34	0/120	1/30	4/10
دین‌داری (متغیر مستقل)		4/63	0/36	0/133	3/29	5
احساس محرومیت نسبی (متغیر مستقل)		3/1	0/30	0/090	2	5
احساس انزوای اجتماعی (متغیر مستقل)		1/69	0/49	0/248	1	3
گرایش به همسالان (متغیر مستقل)		1/69	0/49	0/248	1	3
باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی (متغیر مستقل)		1/23	0/26	0/070	1	2/14
گرایش به مصرف مواد مخدر (متغیر وابسته)		1/32	0/29	0/087	1	3/57

ب) آمار استنباطی

۱- آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون فرضیه نخست: به نظر می‌رسد بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس تأهل، تحصیلات، درآمد) و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۳: رابطه‌ی سن و گرایش به مصرف مواد مخدر

Table 3: Relationship between Age and Drug Use Tendency

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	Sig. (2-tailed)	سطح معنی‌داری
Variable	Person Coffesient Correlation	Sig. (2-tailed)	Sig
سن / گرایش به مصرف مواد مخدر	0/623	0/000	0/001

جدول ۳ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بین سن افراد و گرایش به مصرف مواد مخدر است. ضریب همبستگی به‌دست آمده ۰/۶۲۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که بین دو متغیر گرایش سن افراد به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد و فرض وجود رابطه بین دو متغیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد پذیرفته شده است.

جدول ۴: مقایسه گرایش به مصرف مواد مخدر در بین مردان و زنان

Table 4: Comparison of Drug Use Tendency among Men and Women

آزمون t برای میانگین دو جامعه‌ی مستقل							
T Test for The Mean of Two Independent Population							
متغیر جنس (مردان و زنان)	آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها		متغیر جنس				
	Levine Test for Equality of Variances		Gender Variable				
	سطح معناداری	مقدار تی	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری (دو دامنه)	اختلاف میانگین	فاصله‌ی اطمینان ۹۵ درصد از اختلاف	
Gender Variable Man and Woman)	Sig	T Value	Degrees of Freedom	Significance Level Two Domains)	The Mean Difference	Confidence Interval (95%)	
						Bottom Limit	Top Limit
فرض برابری واریانس‌ها	0/000	3/493	382	0/001	0/12853	0/05618	0/20088
فرض نابرابری واریانس‌ها		3/596	126/329	0/000	0/12853	0/05780	0/19926

چنانچه در جدول ۴ نیز مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری آزمون لوین کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین فرض برابری واریانس دو جامعه رد شده و فرض نابرابر بودن واریانس‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرد. بدین ترتیب داده‌های سطر دوم اساس تحلیل خواهد بود. در سطر دوم، سطح معناداری آزمون تساوی میانگین‌ها کوچک‌تر از ۰/۰۵ است (۰/۰۰۰)؛ بنابراین فرض برابری میانگین‌ها رد شده و استنتاج می‌شود که میانگین دو جامعه (مردان و زنان) با هم تفاوت دارد؛ همچنین با توجه به اینکه حد بالا و حد پایین در فاصله‌ی اطمینان، هر دو مثبت هستند نتیجه‌گیری می‌شود که تفاوت میانگین دو جامعه بزرگ‌تر از صفر است و میانگین جامعه‌ی اول (مردان) از جامعه‌ی دوم (زنان) بزرگ‌تر می‌باشد.

جدول ۵: مقایسه گرایش به مصرف مواد مخدر در بین متأهلین و مجردین

Table 5: Comparison of Drug Use Tendency among Marrieds and Singles

آزمون t برای میانگین دو جامعه‌ی مستقل							
<i>T Test for The Mean of Two Independent Population</i>							
متغیر جنس (متأهل و مجرد)	آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها	متغیر جنس					
	<i>Levine Test for Equality of Variances</i>	<i>Gender Variable</i>					
	سطح معناداری	مقدار تی	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری (دو دامنه)	اختلاف میانگین	فاصله‌ی اطمینان ۹۵ درصد از اختلاف	
<i>Gender Variable (Married and Single)</i>	Sig	<i>T Value</i>	<i>Degrees of Freedom</i>	<i>Significance Level Two Domains</i>	<i>The Mean Difference</i>	<i>Confidence Interval (95%)</i>	
						حد پایین	حد بالا
فرض برابری واریانس‌ها	0/000	2/695	382	0/007	0/09106	0/02463	0/15749
فرض نابرابری واریانس‌ها		3/089	244/204	0/002	0/09106	0/03299	0/14912

چنانچه در جدول ۵ نیز قابل مشاهده است، سطح معنی‌داری آزمون لوین کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض برابری واریانس دو جامعه رد شده و فرض نابرابر بودن واریانس‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، مبنای تحلیل، داده‌های سطر دوم می‌باشد. در سطر دوم، سطح معناداری آزمون تساوی میانگین‌ها کوچک‌تر از ۰/۰۵ است

(۰/۰۰۲)؛ بنابراین فرض برابری میانگین‌ها رد شده و استنتاج می‌شود که میانگین دو جامعه (مجردین و متأهلین) با هم تفاوت دارد؛ همچنین با توجه به اینکه حد بالا و حد پایین در فاصله‌ی اطمینان، هر دو مثبت هستند نتیجه‌گیری می‌شود که تفاوت میانگین دو جامعه بزرگ‌تر از صفر است و میانگین جامعه‌ی اول (مجردین) از جامعه‌ی دوم (متأهلین) بزرگ‌تر می‌باشد.

جدول ۶: مقایسه‌ی گرایش به مصرف مواد مخدر در بین گروه‌های تحصیلی

Table 6: Comparison of Drug Use Tendency among Educational Groups

گرایش به مصرف مواد مخدر در بین گروه‌های تحصیلی	آزمون F	سطوح تحصیلی	مقدار آزمون
	سطح معناداری		
	Test F	Educational Levels	Test Value
	Sig		
0/000		دیپلم	1/33
		فوق دیپلم	1/15
		کارشناسی	1/58
		کارشناسی ارشد و بالاتر	1/95

چنانچه در جدول ۶ نیز مشاهده می‌شود، سطح معناداری (Sig) کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد که بیانگر تفاوت میانگین در سطوح مختلف تحصیلی پاسخگویان است. بر اساس این آزمون مشخص شد بیشترین گرایش به مواد مخدر در بین گروه کارشناسی ارشد و بالاتر بوده است و گروه‌های کارشناسی، دیپلم و فوق دیپلم نیز به ترتیب در رده‌های دوم، سوم و چهارم قرار گرفته‌اند.

جدول ۷: رابطه‌ی درآمد و گرایش به مصرف مواد مخدر

Table 7: Relationship between Income and Drug Use Tendency

سطح معنی‌داری	Sig. (2-tailed)	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر
Sig	Sig. (2-tailed)	Person Coffesient Correlation	Variable
0/001	0/000	-0/317	درآمد / گرایش به مصرف مواد مخدر

جدول ۷ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بین درآمد افراد و گرایش به مصرف مواد مخدر است. ضریب همبستگی به‌دست آمده ۰/۳۱۷- و سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. نتایج به‌دست

آمده بیانگر آن است که بین دو متغیر درآمد افراد و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد و فرض وجود رابطه‌ی بین دو متغیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد پذیرفته شده است.

آزمون فرضیه‌ی دوم: به نظر می‌رسد بین احساس انومی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۸: رابطه‌ی احساس انومی و گرایش به مصرف مواد مخدر

Table 8: The Relationship between Anomy Feeling and Drug Use Tendency

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	Sig. (2-tailed)	سطح معنی‌داری
Variable	Person Coffesient Correlation	Sig. (2-tailed)	Sig
احساس انومی / گرایش به مصرف مواد مخدر	0/580	0/000	0/001

جدول ۸ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بین احساس انومی و گرایش به مصرف مواد مخدر است. ضریب همبستگی به‌دست آمده ۰/۵۸۰ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که بین دو متغیر احساس انومی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد و فرض وجود رابطه‌ی بین دو متغیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد پذیرفته شده است.

آزمون فرضیه‌ی سوم: به نظر می‌رسد بین دینداری و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۹: رابطه‌ی دینداری و گرایش به مصرف مواد مخدر

Table 9: Relationship between Religiosity and Drug Use Tendency

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	Sig. (2-tailed)	سطح معنی‌داری
Variable	Person Coffesient Correlation	Sig. (2-tailed)	Sig
دینداری / گرایش به مصرف مواد مخدر	-0/495	0/000	0/001

جدول ۹ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بین میزان دین‌داری و گرایش به مصرف مواد مخدر است. ضریب همبستگی به‌دست آمده $-0/495$ و سطح معناداری $0/001$ است. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که بین دو متغیر میزان دین‌داری و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد و فرض وجود رابطه‌ی بین دو متغیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد پذیرفته شده است.

آزمون فرضیه‌ی چهارم: به نظر می‌رسد بین احساس محرومیت نسبی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰: رابطه‌ی احساس محرومیت نسبی و گرایش به مصرف مواد مخدر

Table 10: Relation between Feeling of Relative Deprivation and Drug Use Tendency

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	Sig. (2-tailed)	سطح معنی‌داری
Variable	Person Coffesient Correlation	Sig. (2-tailed)	Sig
احساس محرومیت نسبی / گرایش به مصرف مواد مخدر	0/429	0/000	0/001

جدول ۱۰ نشان‌دهنده‌ی رابطه بین احساس محرومیت نسبی و گرایش به مصرف مواد مخدر است. ضریب همبستگی به‌دست آمده $0/429$ و سطح معناداری $0/001$ است. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که بین دو متغیر احساس محرومیت نسبی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد و فرض وجود رابطه‌ی بین دو متغیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد پذیرفته شده است.

آزمون فرضیه‌ی پنجم: به نظر می‌رسد بین انزوای اجتماعی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱: رابطه‌ی احساس انزوای اجتماعی و گرایش به مصرف مواد مخدر

Table 11: Relationship between Social Isolation and Drug Use Tendency

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	Sig. (2-tailed)	سطح معنی‌داری
Variable	Person Coffesient Correlation	Sig. (2-tailed)	Sig
احساس انزوای اجتماعی / گرایش به مصرف مواد مخدر	0/428	0/000	0/001

جدول ۱۱ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بین احساس انزوای اجتماعی و گرایش به مصرف مواد مخدر است. ضریب همبستگی به‌دست آمده ۰/۴۲۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که بین دو متغیر احساس انزوای اجتماعی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد و فرض وجود رابطه‌ی بین دو متغیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد پذیرفته شده است.

آزمون فرضیه‌ی ششم: به نظر می‌رسد بین گرایش به همسالان و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲: رابطه‌ی گرایش به همسالان و گرایش به مصرف مواد مخدر

Table 12: Relationship to Peers and Drug Use Tendency

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	Sig. (2-tailed)	سطح معنی‌داری
Variable	Person Coffesient Correlation	Sig. (2-tailed)	Sig
گرایش به همسالان / گرایش به مصرف مواد مخدر	0/428	0/000	0/001

جدول ۱۲ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بین گرایش به همسالان و گرایش به مصرف مواد مخدر است. ضریب همبستگی به‌دست آمده ۰/۴۲۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که بین دو متغیر گرایش به همسالان و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد و فرض وجود رابطه‌ی بین دو متغیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد پذیرفته شده است.

آزمون فرضیه‌ی هفتم: به نظر می‌رسد بین باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱۳: رابطه‌ی باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی و گرایش به مصرف مواد مخدر

Table 13: The Relation between Folk Beliefs in in Oral Literature and Drug Use Tendency

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	Sig. (2-tailed)	سطح معنی‌داری
Variable	Person Coffesient Correlation	Sig. (2-tailed)	Sig
باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی / گرایش به مصرف مواد مخدر	0/587	0/000	0/001

جدول ۱۳ نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بین باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی و گرایش به مصرف مواد مخدر است. ضریب همبستگی به‌دست آمده ۰/۵۸۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ است. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که بین دو متغیر باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد و فرض وجود رابطه بین دو متغیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد پذیرفته شده است.

۲- یافته‌ها و تحلیل‌های رگرسیون چند متغیره پژوهش

در این بخش از تحلیل به بررسی روابط چندگانه بین متغیرها پرداخته می‌شود و هدف این قسمت یافتن میزان و سهم اثر متغیرهای مستقل در تبیین میزان گرایش به مصرف مواد مخدر می‌باشد. به سخن دیگر با استفاده از رگرسیون چند متغیره، به تعیین و پیش‌بینی درصد واریانس گرایش به مصرف مواد مخدر پرداخته می‌شود که در این تحلیل، این کار از طریق وارد کردن متغیرهای مستقل در رگرسیون چند متغیر و برآورد میزان آن انجام داده می‌شود. جداول ۱۴ و ۱۵ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مربوط به تعامل متغیرهای احساس آنومی، دینداری، احساس محرومیت نسبی، احساس انزوای اجتماعی، گرایش به همسالان و باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی با گرایش به مصرف مواد مخدر را با روش ورود هم‌زمان نشان می‌دهد. لازم به ذکر است، از آنجا که متغیر احساس انزوای اجتماعی و گرایش به همسالان همبستگی بالایی (۱/۰۰) دارند (دارای هم‌خطی هستند)، متغیر گرایش به همسالان از معادله‌ی رگرسیون خارج می‌گردد. بر این اساس، اطلاعات ارائه شده نشان می‌دهد، میزان F محاسبه‌شده معنی‌دار است ($P < ۰/۰۰$)؛ همچنین بر اساس ضریب تعیین محاسبه شد، حدود (۰/۵۶۹) از واریانس مربوط به متغیر گرایش به مصرف مواد مخدر با متغیرهای احساس آنومی، دینداری، احساس انزوای اجتماعی و باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی توضیح داده می‌شود.

شکل کلی معادله‌ی پیش‌بینی نهایی با توجه به نتایج جدول ۱۵، برای پیش‌بینی جهت‌گیری شناختی نسبت به برون‌دادها به‌صورت زیر می‌باشد:

$$Y = + ۰/۲۲۱ (\text{احساس انزوای اجتماعی}) + ۰/۴۸۳ (\text{شفاهی در ادبیات شفاهی}) - ۰/۲۰۰ (\text{دینداری}) - ۰/۱۴۱ (\text{احساس آنومی}) + ۰/۹۷۵$$

ارقام مندرج در معادله‌ی بالا به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در میزان احساس آنومی، میزان گرایش به مصرف مواد مخدر به اندازه‌ی ۰/۱۴۱ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد، همچنین با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در میزان احساس انزوای اجتماعی، میزان گرایش به مصرف مواد مخدر به اندازه‌ی ۰/۲۲۱ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد، همچنین با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در میزان باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی، میزان گرایش به مصرف مواد مخدر به اندازه‌ی ۰/۴۸۳ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد و بنابراین با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در دینداری، میزان گرایش به مصرف مواد مخدر به اندازه‌ی ۰/۲۰۰- انحراف استاندارد کاهش می‌یابد. در این معادله به خاطر اینکه ضرایب استاندارد شده‌اند، به خوبی می‌توان به نسبت تأثیر هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته پی برد.

جدول ۱۴: نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش‌بین با گرایش به مصرف مواد مخدر به روش ورود هم‌زمان

Table 14: Results of Multiple Regression Analysis of Predictive Variables with Drug Use Tendency by Time Entry Method

ضریب تعیین	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	آماره‌ی F
R^2	MR	Sig	F
0/569	0/754	0/00	00/440

جدول ۱۵: خلاصه‌ی مدل رگرسیون و مشخصه‌های آماری رگرسیون به روش هم‌زمان

Table 15: Summary of Regression Model and Regression Statistical Characteristics by Time Entry Method

سطح معنی‌داری	مقدار t	beta	اشتباه استاندارد	B	شاخص‌ها
Sig	t	beta	Std.Error	B	متغیرها
					Indicators
					Variable
0/001	3/240		0/301	0/975	Constand
0/003	2/997	0/141	0/040	0/120	احساس آنومی
0/000	4/098	0/200	0/040	0/162	دینداری
0/217	0/501	0/021	0/040	0/020	احساس محرومیت نسبی
0/000	4/615	0/221	0/028	0/131	احساس انزوای اجتماعی
0/000	11/316	0/483	0/048	0/541	باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی

نتیجه گیری

اعتیاد و گرایش به مصرف مواد مخدر بحرانی است که به ویژه در سال‌های اخیر به درونی‌ترین وجوه زندگی فردی و اجتماعی افراد و بالأخص جوانان رسوخ کرده و حیات فعال و رو به پیشرفت این اقشار را با مخاطرات هولناکی مواجه نموده است که به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی و نادیده‌انگاری نیست. این بحران، همانند بسیاری دیگری از بلایای طبیعی و اجتماعی، تک‌عاملی نبوده و طیف وسیعی از علل و عوامل داخلی و خارجی، شخصی و غیر شخصی، عمدی و غیر عمدی، مترقبه و غیر مترقبه در آن می‌تواند دخیل باشد. تحقیق حاضر بر مبنای رویکرد جامعه‌شناسی و با توجه به رویکرد تحلیلی کج‌رفتاری به بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به مواد مخدر در میان جوانان شهر اهواز انجام شده است.

لازم به ذکر است پژوهش حاضر و رویکرد تحلیل آن نسبت به الگوی غالب بررسی مواد مخدر (که تحت تأثیر علم پزشکی می‌باشد) و نظریه‌های غیر پزشکی (که نظریه‌های ((پزشکی - انسانی)) نامیده می‌شوند) در پژوهش‌های گذشته مزیت‌های عدیده‌ای دارد: نخست، تحقیق حاضر برخلاف سهم بالای رویکرد روانشناسی در تحقیقات مربوط به اعتیاد و گرایش به مواد مخدر در قالب ادبیات نظری جامعه‌شناسی صورت پذیرفته است. بر مبنای رویکرد جامعه‌شناسی اعتیاد و گرایش به مواد مخدر پدیده‌ای اجتماعی است که علل و ریشه‌های وقوع آن می‌بایست در بافت اجتماعی افراد جستجو گردد؛ دوم، تحقیق حاضر ارتباط و استفاده مناسب از دیدگاه‌ها و رویکردهای تحلیلی مسائل اجتماعی جهت واکاوی علل و عوامل گرایش به مواد مخدر را با جدیت پیگیری نموده است؛ سوم، تحقیق حاضر واکاوی دقیق و موشکافانه علل و عوامل گرایش به مواد مخدر را (برخلاف پراکندگی و عدم انسجام نظری پژوهش‌های گذشته) بر مبنای رویکرد تحلیلی کج‌رفتاری اجتماعی انجام داده است؛ چهارم، تحقیق حاضر تبیین و واکاوی پدیده‌ی گرایش به مواد مخدر را (برخلاف عدم طرح و شفافیت سطح تحلیل مسئله‌ی اجتماعی در پژوهش‌های گذشته) با ترکیب سطوح تحلیل خرد و کلان اجتماعی ردیابی کرده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، تأهل، سطح تحصیلات، درآمد) با گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد. بین متغیرهای احساس آنومی، احساس محرومیت نسبی، احساس انزوای اجتماعی، گرایش به همسالان، باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی با متغیر گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی مثبت و معناداری حاکم است و بین متغیر دینداری و گرایش به مصرف مواد مخدر نیز رابطه‌ای

منفی و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد حدود (۰/۵۶۹) از واریانس مربوط به متغیر گرایش به مصرف مواد مخدر با متغیرهای احساس آنومی، دینداری، احساس انزوای اجتماعی و باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی قابل تبیین است. در خصوص مقایسه میان نتایج پژوهش با یافته‌های پیشینه‌ی مطالعاتی تحقیق گزاره‌های ذیل قابل طرح می‌باشد: نخست، یافته‌های تحقیق در خصوص رابطه‌ی میان متغیرهای جمعیت‌شناختی و گرایش به مصرف مواد مخدر نشان می‌دهد (۱) بین سن افراد و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد به این معنا که با افزایش سن افراد گرایش آنان به تدریج به مصرف مواد مخدر افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌های (Doagooyan & Habibzadeh (2011 همسو است؛ (۲) گرایش به مصرف مواد مخدر در بین مردان بیشتر از خانم‌ها بوده است؛ (۳) درصد گرایش به مصرف مواد مخدر مجردین از متأهلین بیشتر می‌باشد. این نتیجه با یافته‌های (Islam, S. K, Nazrul (2000 متفاوت است؛ (۴) گروه‌های تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر گرایش به مصرف مواد مخدری بیشتری را گزارش کرده‌اند. این نتیجه با یافته‌های (Islam, S. K, Nazrul (2000 and et al متفاوت است؛ (۵) گرایش به مواد مخدر در بین جوانان با سطوح درآمدی پایین‌تر شایع‌تر بوده است به این معنا که هر چقدر افراد درآمد پایین‌تری دارا باشند گرایششان به مصرف مواد مخدر افزوده خواهد شد. این نتیجه با یافته‌های (Islam, S. K, Nazrul and et al (2000 همسو می‌باشد.

دوم، یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه‌ی میان احساس آنومی و گرایش به مصرف مواد مخدر نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار بین احساس آنومی و گرایش به مصرف مواد مخدر است. به طوری که هر چه احساس آنومی در افراد شدت بیشتری داشته باشد گرایششان به مصرف مواد مخدر افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌های (Pazani & et all (2016 همسو است.

سوم، یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه‌ی میان دینداری و گرایش به مصرف مواد مخدر نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی منفی و معنادار بین دینداری و گرایش به مصرف مواد مخدر است. به این معنا که با تقویت و افزایش گرایش‌های معنوی و باورهای دینی افراد، گرایششان به مصرف مواد مخدر کاهش می‌یابد و بالعکس. این نتیجه با یافته‌های (Nadimi (2015) & (2008) Arevalo & et all همسو است.

چهارم، یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه‌ی میان احساس محرومیت نسبی و گرایش به مصرف مواد مخدر نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار بین احساس

محرومیت نسبی و گرایش به مصرف مواد مخدر است. این نتیجه با یافته‌های (*Abdoli*)
Soltan Ahmadi & Amani (2016) و *Orford* (1994) همسو است.

پنجم، یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه‌ی میان احساس انزوای اجتماعی و گرایش
به مصرف مواد مخدر نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار بین احساس انزوای اجتماعی
و گرایش به مصرف مواد مخدر است. این نتیجه با یافته‌های *Abdoli Soltan Ahmadi &*
Amani (2016) همسو است.

ششم، یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه‌ی میان گرایش به همسالان و گرایش به
مصرف مواد مخدر نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار بین گرایش به همسالان و
گرایش به مصرف مواد مخدر است. این نتیجه با یافته‌های *Abdoli Soltan Ahmadi &*
Amani (2016) و *Islam, S. K, Nazrul and et al* (2000) همسو است.

هفتم، یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه‌ی میان باورهای عامیانه در ادبیات شفاهی
و گرایش به مصرف مواد مخدر نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی مثبت و معنادار بین باورهای عامیانه
در ادبیات شفاهی و گرایش به مصرف مواد مخدر است. این نتیجه با یافته‌های *and*
Sedigh sarvestani Ghaderi (2009) همسو است.

References:

Abdoli Sultan Ahmadi, J. and Amani, J. (2016). "Factors Influencing Young People's Drug Abuse in Iran: An Analysis of Fuzzy Cognitive Maps Based on Opinions of Specialists", *Quarterly Journal of Addiction Research on Substance Abuse*, Tenth, Thirty and Nine. (Persian).

Aderm, M. and Nik Manesh, Z. (2012). "The tendency to use drugs in youth based on personality traits", *Zahedan Journal of Research in Medical Sciences*, 2010, Issue 2. (Persian).

Ahadi R. and Mohammadi, Sh. (2016). "Factors Affecting Addiction and Drug Abuse in Proactive Prophylaxis, Emphasizing the Social Approach", *Journal of Social Health and Addiction*, 2009, No. 12 (Persian).

Ahmadi, H. (2005). *Sociology of Deviations*, Tehran: Organization for the Study and Compilation of Human Sciences Books. (Persian).

Allah Verdi Pour, H. & et al. (2007). "Pattern and causes of youth tendency to substance abuse", *Journal of Shaheed Sadoughi University of Medical Sciences and Health Services*, 2011, Vol. 4. (Persian).

Arevalo, S. and Guillermo P., Hortensid, A. (2008). Spiritually, sense of coherence, and coping responses in women receiving treatment for alcohol and drug addiction. *evaluation and program planning*, p.113-123.

Ashraf, A. (1975). *Behavioral Hazard, Social Issues and Social Pathology*, First Edition, Tehran: High School of Services. (Persian).

Boyle, M. H. (2001). "Familial Influences on substance use by Adolescents and young Adults", *Public Health*, Vol. 92, N.3.

Callan, M. J., eland, J. H.; Shead, N. W.; Hodgins, D. C. (2008). Gambling as a search for justice: examining the role of personal relative deprivation in gambling urges and gambling behavior. *personality and social psychology bulletin*. 34.

Cloward, R. A. and Liyod, E. Ohlin (1960). *Delinquency and opportunity: a theory of Delinquent gangs*, New York: free press.

- Cohen, A. K. (1955). *Delinquent boys: the culture of the gang*, glencoe, ill: free press, 1955.
- Cohen, B. (1994). *The Foundations of Sociology*, Gholam Abbas Tavassoli & Reza Fazel, Tehran: Publication. (Persian).
- Firouzjaei, S. & et. al. (2015). "Investigating social and cultural characteristics of drug offenders in Ahwaz municipality areas using GIS spatial information system", *Quarterly of substance abuse addiction*, ninth year, thirty sixth. (Persian).
- Counter Narcotics Studies (2014). "Investigating Factors Affecting the Attitude of High School Students to Drug Abuse and Prevention Methods", *Journal of Counter Narcotics Studies*, Year 6, Number Twenty and Twenty-One. (Persian).
- Couseer, L., Rosenberg, B. (2000). *Fundamental Sociology Theories, Translation of the Culture of Ershad*, Tehran, Publishing. (Persian).
- Dean, Dwight G. (1961). "Aliena on:it s meaning and measurement", *American sociological review*, 26: 753-758.
- Duncan Mitchell, G. (1968). *A Dictionary of Sociology*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Gurr, T. R. (1967). *Psychological factors in civil violence*, London: World Politics.
- Hamshahri Province (2016). <http://ostani.hamshahrilinks.org>. (Persian).
- Hezar Jarribi, H. and Safari Shali, R. (2006). *Surveying and Prioritizing Social Damage in Markazi Province, Management and Planning Organization of Markazi Province*. (Persian).
- Holmes, H. & et al. (1994). *Self-esteem Strengthening Methods in Adolescents*, Translation by Parvin Alipour, Mashhad: Astan Quds Razavi Publication. (Persian).
- Inglehart, R., Ch. Welles (2010). *Renovation, Cultural Change and Democracy*, Jacob Ahmadi, Tehran: Ghazal. (Persian).
- Islam, S. K. Nazrul & et al (2000). "Sexual life style, Drug habit and socio-demographic status of Drug Addict in Bangladesh", *Public Health*, vol. 114, No .5.
- Johnson, B. (1989). *Toward theory of drug subcultures in G. Lettieri. N. bayers*.

Miller, Walter B. (1958) "Lower Class Culture as a Generating Milieu of Gang Delinquency", *Journal of Social Issues* 14, No. 3: 5-19.

Mohammadi A. & et al. (2013). "Making and validating the scale of the causes of drug addiction tendency in youths (Case study of Khorasan Razavi province)", *Drug addiction study journal*, seventh year, number twenty-six (Persian).

Mohseni Tabrizi, A. (2004). *Vandalism*, First Edition, Tehran, Publishing. (Persian).

Mohseni Tabrizi, A. (2006). *Etiology and Epidemiology of Addiction Among Tehrani Families*, Tehran: Research & Management Planning Department, Ministry of Science, Research and Technology. (Persian).

Momtaz, F. (2002). *Social deviations, Theories and views*, Tehran, Public Joint Stock Company. (Persian).

Mostafaei, H. Hosseini, M. & Jenaabadi, H. (2014). "The investigation of the relationship between the aggression and the addiction potential high school male students", *UCT Journal of Management and Accounting Studies*, 2(1), 1-4.

Nadimi, M. (2015). "The Role of Religion and Religious Institutions in the Prevention of Substance Abuse", *Journal of Social Health and Addiction*, Vol. 2, Issue 6. (Persian).

Orford, J. (1994). "Empowering family and friends", *Drug and Alcohol Review*, No. 13.

Pazzani, F., Borjeli, A., Ahadi, H. and Korsakian Mojmambari, A. (2016). "Adolescents' Preparedness: Psychosocial and Homogeneity", *Journal of Social Health and Addiction*, 3 (11). (Persian).

Persall, Caroline, H. & Green, A. & Gurevich, L. (2001). "Society, Economic Distress, and Social Tolerance", *Sociological Forum* 16 (2).

Russell, D., Peplau, L. and Cutrona, C. (1980). *The Revised UCLA Loneliness Scale: Concurrent and Discriminant Validity Evidence*.

Sadiqi-Fard, M. (2008). "Investigating the Social Factors Affecting the Attitudes of Juvenile and Youth to Juvenile Delinquency (Case Study of Birjand County)", Master's Degree

Program, Social Sciences Department”, Faculty of Literature and Humanities University of Isfahan (Persian).

Salimi, H. & et al. (2015). “Prognosis of addiction tendency based on family process model and family content in students”, Quarterly of Drug Abuse Research Addiction, ninth year, thirty four. (Persian).

Sedigh Sarvestani, R. and Ghaderi, S. (2009). “Narcotics Regulatory Norms (Opium and the like) among ethnic subcultures in Iran”, Journal of Law Enforcement, Year 10, Number 2. (Persian).

Serajzadeh, S. H. and Tavakoli, M. (2001). “Operational review of religiosity in social studies”, Letter of Research, Fifth Year. No. 20 and 21. (Persian).

Shalchi, B; Dadkhah, M. and Yaghouti A., Shahram (2015). The role of family function, intergenerational gap and socioeconomic status in explaining youth addiction, Quarterly of substance abuse addiction, ninth year, thirty-four. (Persian).

Shoushan Analytical Web Site (2016). <http://shooshan.ir>. (Persian).

Srole, L. (1956). “Social integration and certain corollaries: an exploratory study”, American sociological review, Vol. 21, 709-716.

Stefan, S. (2009). Family Relationships and Addiction, Sa'id Pirmoradi Translation, Isfahan: Hamam Publications. (Persian).

Sutherland, Edwin H. and Donald R. (1966). Cressey. Principles of Criminology, seventh edition, new york: J.B. lippinocct Co.

Zargar, Y. (2006). Preparing Iranian Addiction Readiness Scale, Second Congress of Tehran Psychological Association. (Persian).

Study Socio-Cultural Factors Affecting Drug Use Tendency Based on the Behavioral Bias Approach (Studied in the Youth of Ahwaz)

Mohammadali Moubini¹, Alihossein Hosseinzadeh (Ph.D)²
Azita Moubini³

DOI: 10.22055/QJSD.2018.14568

Abstract:

The present study tries to examine the socio-cultural factors influencing drug use tendency among Ahwaz metropolitan youth using a sociological cognitive behavioral approach. The present research method is (scrolling). Therefore, the data collection tools (questionnaire), the statistical population (Ahvaz youth), sampling method (cluster), sample population (384 persons), information analysis method 23 spss software), and time and iocation spatial range (Ahwaz, 2016). The empirical findings of the research indicate that: there is a relationship between demographic variables (age, sex, marriage, education level, income) with drug use tendency. There is a positive and significant relationship between variables such as anomy feeling, feelings of relative deprivation, social isolation, peers, folk beliefs in oral literature and drug addiction tendencies. There is also a negative relationship between variables of religiosity and tendency to drug use. Also, the results of the research show that the extent of (0.569) of variance related to narcotics tendency variable with variables of anomy feeling, religiosity, sense of social isolation, and folk beliefs in oral literature can be explained.

Key Concepts: Tendency to Drug Use, Socio-Cultural Factors, Behavioral Bias Approach

¹ Ph.D. Student of Sociology University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author), mmombeini@yahoo.com

² Professor of Sociology Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, alihos81@yahoo.com

³ Master of Sociology, Payam Noor University of Mashhad, Mashhad, Iran, mombeini12345@yahoo.com

